

شهر سنگی

اکستازی

مؤلف:

دکتر رضا کشاورز

www.ketab.ir

سرشناسه : کشاورز، رضا، ۱۳۴۸ -
 عنوان و نام پدیدآور : شهر سنگی / مولف رضا کشاورز.
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 تعداد صفحات: ۴۸
 شابک: ۵-۱۱۸-۲۴-۹۶۴-۹۷۸
 موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ الف ۱۷۳۱۸ شش/ PIR۸۱۸۴
 رده بندی دیویی : ۳/۶۲۱۵۸
 شماره کتابشناسی ملی: 2275302



انتشارات نسیم کوثر

قم - خیابان شهید فاطمی (دور شهر) - کوچه ۳۰ - پلاک ۵۵
 تلفن: ۷۸۳۰۵۶۷ - دورنگار: ۷۸۳۰۵۶۸ - همراه: ۰۹۱۲۶۵۱۴۹۰۷

نام کتاب: شهر سنگی
 مؤلف: رضا کشاورز
 ناشر: انتشارات نسیم کوثر
 صفحه آرا: اطلس دهقانی
 طراح جلد: سمیرا زندگی
 ناشر همکار: احقاف، دانش و سلامت
 نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۰
 تیراژ: ۱۰۰۰
 چاپخانه: ذاکر
 قیمت: ۱۲۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

صفحه:	عنوان:
۷.....	پیشگفتار.....
۹.....	مراسم جشن.....
۱۳.....	به سوی فردا.....
۱۵.....	دنایای جدید.....
۱۸.....	شهرسنگی.....
۲۷.....	کوچه‌های سنگی.....
۳۰.....	دره‌ی مردگان.....
۳۷.....	خودکشی.....
۴۰.....	رستاخیز دیگر.....
۴۶.....	من هنوز زنده‌ام.....
۴۸.....	مراجع:.....

❖ پیش گفتار ❖

در طول زندگی ما انسان‌ها، بسیاری حوادث رخ می‌دهد که چون حادثه‌ای پیش پا افتاده به راحتی به فراموشی سپرده می‌شود. برخی از اتفاقات نیز چنان تأثیر شگرفی بر روان آدمی می‌گذارد که مسیر زندگی را به کلی عوض می‌کند. این حوادث لازم نیست حتماً در زندگی به صورت عینی رخ دهد. چنانکه گاهی دین یک رویا و خواب هم می‌تواند فردی را عوض کرده و دید او را نسبت به دنیا عوض کند. در جنگل انسانی، ما درختانی جدا افتاده‌ایم که با هم جنگل را درست می‌کنیم. کمی احساس نوحه‌دوستی و توجه به هم گاهی می‌تواند از جامعه‌ی ما محیط زندگی بهتری بسازد. گاهی انسان‌ها در زندگی چنان احساس کمبود شادی و سرگرمی می‌کنند که با متوسل شدن به برخی داروها و مواد افیونی یا قصد ایجاد شادی مصنوعی یا قصد ایجاد بی‌تفاوتی نسبت به غم‌ها و غصه‌ها و کمبودهای خود دارند. بسیاری قرص‌های روانگردان تحت عنوان اکستازی یا قرص‌های اکس از این دسته‌اند که انسان را به دنیای دیگری برده و گاهی تا سر حد مرگ و جنون تحت تأثیر منفی خود قرار می‌دهند. داستان پیش رو نتیجه‌ی رویائی است که چند سال پیش در عنفوان جوانی دیدم که خود گویای حوادث آینده بود. گرچه دیدن و یا شنیدن از برخی ناهنجاری‌های

اجتماعی چون اعتیاد و برخی پارتی های مخرب نیز بعدها نوشتار زیر را تحت تاثیر قرار داده اما اساس آن رویائی بیش نبود. باشد که حتی از کنار رویاهایمان نیز بی تفاوت نگذریم.

دیر یا زود من دوباره برمی خیزم و این همان رستاخیز است.